

عنوان مقاله:

برسازه گرایی، مدرنیته غربی و سیاست خارجی زمانه هاشمی رفسنجانی

محل انتشار:

فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره 4، شماره 14 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 0

نویسنده:

سعید چهرآزاد - دکترای تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۵۸۸۴۵۶۵.۱۳۹۹.۴.۱۴.۵.۹

مسئله نوشتار پیش رو، آزمودن نسبت بین «مولفه های منبعث از مدرنیته غربی» در فرهنگ سیاسی ایران پسا-انقلاب اسلامی و «سیاست خارجی زمانه هاشمی رفسنجانی» است. با روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی و اشراف کامل بر اقتضائات زمانی به این نتیجه رسید که لزوماً باید از رویکرد پراگماتیسم در سیاست خارجی جهت رسیدن به اهداف استفاده کرد. دولت مذکور نسبت به قدرت ساختاری غرب در ساختار دانش، ساختار مالی، ساختار امنیتی، ساختار تولید و ... آشنایی داشت، لذا تصمیم گیرندگان تصمیم را بر آن داشتند که با اتخاذ سیاست تنش زدایی و تعامل سازنده از روابط با کشورهای غربی به بهره های اقتصادی نائل شوند. از این رو، برای درک چرایی و چگونگی تدوین سیاست خارجی دوره سازندگی در این پژوهش سعی شده است تا مدرنیته غربی را به صورتی برساخت گرایانه مورد واکاوی و تأثیر آن بر سیاست خارجی این محدوده تاریخی جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید. به طور کلی، این پژوهش این پرسش را مطرح می نماید که: مدرنیته غربی به عنوان یکی از سه ضلع فرهنگی هویت ملی ایران چگونه باعث قوام و دوام سیاست خارجی دوره هاشمی رفسنجانی شده است؟ برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش این فرضیه را مطرح می نمایم که از میان نظریه ها و رهیافت های تئوریک متکثر و متعدد برای بررسی ساختار داخلی و خارجی رویکرد برساخت گرایی بهتر از بقیه یارای آن را دارد تا بتواند تحولات سیاست خارجی دوره مورد بررسی را تبیین نماید. از این جهت سعی شده است ساختار و بافتار مقاله با زمینه برساختی مورد
ارزیابی
قرار
مورد
گیرد.

کلمات کلیدی:

برساخت گرایی، فرهنگ، مدرنیته غربی، سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1419625>

